

## ظهرنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری

دکتر حیدر حسن زاده<sup>۱</sup>

چکیده

در حقوق ایران علیرغم عدم وجود نص قانونی صریح بر امکان ظهرنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری، ظهرنویسی به نمایندگی مجاز بوده و در صورتی که نماینده اختیار ظهرنویسی داشته و سمت خود و اصیل را در سند آشکار و قید نموده باشد، هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده‌ی سند نداشته و فقط اصیل مسئول تلقی می‌شود. در قوانین متحدالشکل ژنو در خصوص برات و سفته و چک هرچند صراحتاً امکان ظهرنویسی به نمایندگی قید نشده است ولی در خصوص نحوه و شرایط مسئولیت اصیل و نماینده با وحدت ملاک از مقررات صدور برات به نمایندگی می‌توان گفت نحوه مسئولیت همان است که در خصوص حقوق ایران ذکر گردید. در حقوق انگلیس بر خلاف حقوق ایران و قوانین متحدالشکل ژنو صراحتاً امکان ظهرنویسی به نمایندگی و مسئولیت اصیل و نماینده ذکر شده است و اگر نماینده به نام اصیل امضا نماید و اصیل در سند مشخص شده باشد و نماینده اختیار انجام عمل را داشته باشد، در این صورت نماینده در برابر دارنده‌ی سند هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته و فقط اصیل مسئول خواهد بود. در حقوق انگلستان بر خلاف حقوق ایران از شخص ثالث با حسن نیت حمایت کاملی بعمل

1. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

واژه‌های کلیدی: اسناد تجاری، ظهنویسی، نمایندگی، ظهننویس (نماینده)، اصیل، مسؤلیت ظهننویس، دارنده، حسن نیت.

## مقدمه

قبل از طرح سؤالات مربوط به موضوع مقاله بهتر است ابتدائاً به طور مختصر منظور از کلمات اسناد تجاری، ظهننویسی، نماینده و نمایندگی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و معانی آنها تبیین گردد.

الف. اسناد تجاری: طبق ماده‌ی 1284 قانون مدنی «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد». اسناد تجاری، چون مشمول ماده‌ی 1287 ق.م.نمی‌باشد<sup>۱</sup> لذا اسناد رسمی نبوده، پس مشمول ماده 1289 قانون مدنی بوده<sup>۲</sup> و اسناد عادی محسوب می‌شوند. هرچند برخی حقوقدانان معتقدند که اسناد تجاری مزایایی بر اسناد عادی دارند که آنها را برزخ اسناد عادی و رسمی قرار می‌دهد و به این جهت اسناد تجاری به آنها اطلاق می‌شود. (دکتر کاتبی، حسینقلی؛ حقوق تجارت، چاپ یازدهم، نوبت نهم گنج دانش، ص 182)

در قانون تجارت ایران مصوب 1311/2/13 اسناد تجاری تعریف نشده و مصادیق آن نیز بیان نگردیده ولی در باب چهارم قانون تجارت شامل چهارفصل از مواد 223 الی 319 سه سند مهم تجاری یعنی برات، سفته و چک مورد بررسی قرار گرفته است. و در این مواد لفظ سند تجاری بکار برده نشده و اسناد سه گانه‌ی فوق نیز بنام سند تجاری قلمداد نشده اند. فقط در تبصره‌ی ماده‌ی 244 قانون تجارت به برات و سفته و چک عنوان اوراق تجاری داده شده است. این تبصره مقرر می‌دارد: «همین قاعده در مورد سایر اوراق تجاری نیز رعایت خواهد شد.» البته اصطلاح اوراق تجاری در بند ج ماده‌ی 108 قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی

1. ماده 1287 قانون مدنی: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا در دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است»  
2. ماده 1289 ق.م.ن- «غیر از اسناد مذکوره در ماده 1287 سایر اسناد عادی است»

مصوب 79/1/21 نیز به کار رفته است که مقرر می‌دارد «در مواردی از قبیل اوراق تجاری و اخواست شده...» البته قانونگذار در باب پنجم قانون تجارت تحت عنوان اسناد در وجه حامل از عبارت «اسناد» استفاده نموده است نه «اوراق»، پس مشخص می‌شود که عبارت اوراق تجاری و اسناد تجاری علی‌رغم تفاوت در لفظ در معنا یکسان بنظر می‌رسند و ما در این مقاله به علت رواج عبارت اسناد تجاری از اصطلاح اسناد تجاری نه اوراق تجاری استفاده خواهیم نمود.

اسناد تجاری اسنادی هستند که قابل معامله بوده و به نفع دارنده‌ی آن، معرف وجود طلبی در سررسید کوتاه‌مدت بوده، و معمولاً مورد استفاده تجار در معاملات تجاری قرار می‌گیرند. (دکتر فخاری، امیرحسین، جزوه حقوق تجارت 3، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی 1382-1383، ص 1) این تعریف بیشتر شامل اسناد تجاری به معنای خاص کلمه یعنی برات و سفته و چک می‌باشد. در حالی که عنوان کلی اسناد تجاری به برات و سفته و چک محدود نمی‌شود و اسناد دیگری مانند قبض انبار- سند در وجه حامل- اوراق بهادار- اوراق قرضه - اوراق سهام، بارنامه و اسناد اعتباری نیز اسناد تجاری محسوب می‌شوند. (اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته و قبض انبار- اسناد در وجه حامل و چک)، انتشارات سمت، چاپ دوم، تابستان 1374، ص 5) البته در این مقاله فقط ظهنویسی به نمایندگی اسناد تجاری خاص یعنی برات و سفته و چک را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ب. ظهنویسی: ظهنویسی یا پشت‌نویسی عملی است که به موجب آن دارنده‌ی برات تمام یا قسمتی از حقوق خود را به دیگری واگذار می‌نماید. (عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، چاپ 24، 1385، کتابخانه گنج‌دانش، ص 241) پس می‌توان گفت که ظهنویسی مکانیسم انتقال قانونی (تجاری) اسناد تجاری به اشخاص ثالث است که توسط دارنده سند معمولاً در ظهر سند با امضای یا مهر انجام می‌شود و به موجب آن دارنده‌ی سند عنوان ظهنویس را پیدا نموده و شخص ثالث، دارنده‌ی جدید محسوب می‌شود. البته اسناد تجاری فقط از طریق ظهنویسی قابل انتقال نیستند بلکه از طریق قبض و اقباض (اسناد حامل یا در حکم وجه حامل) یا انتقال در سند جداگانه نیز قابل انتقال می‌باشند. ولی انتقالات اخیر به هیچ‌وجه مشمول مقررات ظهنویسی در مواد

245 الی 248 قانون تجارت نمی‌باشند.

قابلیت نقل و انتقال اسناد تجاری (ظهنویسی) از چنان اهمیتی برخوردار می‌باشد که بعضاً اسناد تجاری را اسناد قابل معامله<sup>۱</sup> می‌نامند. (کاوایی، دکتر کوروش، حقوق اسناد تجاری، چاپ اول، بهار 1383، نشر میزان، ص 88).

ج. نمایندگی: هر چند در ترمینولوژی حقوقی دکتر لنگرودی اصطلاح «نمایندگی» مطلق و عام بوده و شامل وکالت و ولایت و وصایت و قیمومت و نمایندگی تجاری (ماده 395 ق.ت) و حق‌العمل‌کاری (ماده 357 قانون تجارت) و نیابت می‌باشد (جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، سال 1372، کتابخانه گنج دانش، ص 723). ولی منظور از نمایندگی در این مقاله نمایندگی قراردادی (وکالت) بوده، نمایندگی قانونی (ولایت و وصایت و قیمومت) مد نظر ما نمی‌باشد. چون ظهنویسی اسناد تجاری عمل تجاری است و انجام اعمال تجاری توسط اشخاص محجور محل تردید می‌باشد. برخی از حقوقدانان انجام اعمال تجاری توسط محجورین به وسیله‌ی نمایندگان قانونی آنان (ولی و قیم و وصی) را ممکن نمی‌دانند. (ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ اول، سال 1374، نشر دادگستر، ص 36).

پس می‌توان گفت که نمایندگی در ظهنویسی اسناد تجاری عبارت است از اعطای اذن و نیابت قراردادی توسط منوب‌عنه (دارنده سند تجاری) اعم از شخص حقیقی یا حقوقی به نماینده (وکیل)، جهت انجام ظهنویسی و انتقال سند تجاری به شخص ثالث.

لذا در این نوشته درصددیم، در خصوص ظهنویسی (انتقال تجاری) اسناد تجاری شامل (برات، سفته و چک) توسط نماینده قراردادی و مسئولیت یا عدم مسئولیت نماینده‌ی مزبور بحث و بررسی نماییم: البته ما در جهت بهتر روشن شدن موضوع درصددیم که غیر از حقوق ایران، کنوانسیون‌های راجع به قانون متحدالشکل در خصوص بروات و سفته‌ها و چک مصوب 7 ژوئن 1930 و 19 مارس 1931 ژنو و حقوق انگلیس را نیز در حدی که مقاله‌ی مزبور ایجاب می‌نماید مورد بررسی قرار دهیم.

---

1. Negotiable Instrument,s

لذا با توجه به موضوع مقاله بایستی مشخص شود که آیا ظهرنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری شامل برات و سفته و چک در حقوق ایران و کنوانسیون‌های ژنو و حقوق انگلیس صحیح است یا خیر؟ و به فرض صحت، نماینده‌ی مزبور تحت چه شرایطی در مقابل دارنده‌ی سند تجاری مسئولیت دارد؟

## 1. ظهرنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری در حقوق ایران

قانون تجارت ایران در مبحث پنجم فصل اول باب چهارم مقررات مربوط به ظهرنویسی در برات را در پنج ماده (مواد 245 الی 248) احصاء نموده است. طبق ماده‌ی 309 قانون تجارت مقررات مبحث پنجم در خصوص سفته نیز لازم‌الرعایه بوده، در خصوص چک نیز قانونگذار در قسمت اخیر ماده‌ی 312 قانون تجارت چنین مقرر داشته است: «... ممکن است به صرف امضاء در ظهر چک به دیگری منتقل شود.» هر چند مواد 245 الی 248 ق.ت. در خصوص چک لازم‌الرعایه نیست ولی قسمت اخیر ماده 312 همان احکام اساسی مواد فوق را در بر دارد. البته غیر از مواد فوق‌الذکر، مواد متعددی در قانون تجارت از جمله ماده‌ی 249 و 284 الی 291 قانون تجارت، ماده‌ی 315 الی 317 قانون تجارت و ماده‌ی 20 قانون اصلاحی صدور چک مصوب 82/6/2 و سایر مواد، مطالب مهمی را در خصوص حقوق و تکالیف و مسئولیت‌های ظهرنویسان بیان نموده اند.

ممکن است بعضی تصور نمایند که ماده‌ی 247 قانون تجارت در مورد ظهرنویسی برات توسط نماینده است در حالی که ماده 247 قانون تجارت در خصوص ظهرنویسی به عنوان وکالت در وصول (یکی از اقسام ظهرنویسی) است که اکثراً توسط خود دارنده‌ی سند (اصیل) انجام می‌شود و دارنده سند با امضای سند و تسلیم آن به وکیل به شخص مزبور وکالت می‌دهد که وجه برات را وصول و در صورت عدم وصول، اعتراض عدم تأدیه نموده و وجه آن را وصول نماید. در حالی که ظهرنویسی توسط نماینده در هر سه قسم ظهرنویسی (ظهرنویسی برای انتقال، ظهرنویسی برای وکالت در وصول، ظهرنویسی برای وثیقه) قابل تصور بوده، در واقع شخص دارنده اعم از شخص حقیقی یا حقوقی عمل ظهرنویسی را توسط نماینده خود انجام می‌دهد. در حالی که در ظهرنویسی برای وکالت در وصول منظور این است که

وجه سند توسط وکیل وصول شود نه این که ظهرنویسی توسط وکیل انجام گردد. هر چند ممکن است در ظهرنویسی برای وکالت در وصول، ظهرنویسی مزبور توسط نماینده‌ی اصیل انجام گیرد. مانند این که شرکت تجاری که دارنده‌ی چکی می‌باشد توسط نماینده‌ی خود یعنی مدیرعامل، چک مزبور را ظهرنویسی وکالت در وصول نموده و در اختیار وکیل (بانک مربوطه) قرار داده تا بانک مزبور وجه چک مزبور را از بانک محال‌علیه وصول نماید. در واقع در این جا دو نوع وکالت قابل تصور است: اول، وکالت مدیرعامل شرکت در ظهرنویسی چک می‌باشد که توسط اساسنامه شرکت این وکالت اعطاء شده است. دوم، ظهرنویسی برای وکالت در وصول می‌باشد که به بانک مشتری، وکالت در وصول چک اعطا می‌شود. پس وکالت در وصول مزبور توسط نماینده (نه اصیل) به وکیل (بانک) اعطا شده است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که در قانون تجارت ما و سایر قوانین در مورد ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده و نحوه‌ی مسئولیت نماینده مطلبی نیامده است ولی در خصوص صدور اسناد تجاری توسط نماینده در قانون تجارت و قانون صدور چک و آیین‌نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب 55/4/6 مطالبی بیان شده است، ماده‌ی 227 قانون تجارت در خصوص صدور برات توسط نماینده تصریح می‌کند که «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود». طبق این ماده، قید سمت وکالت در برات الزامی نبوده مع‌ذالک دارنده‌ی که برات را بدون اطلاع از سمت صادرکننده دریافت نموده، حق دارد بر اساس ظاهر برات، وکیل را اصیل تلقی و برای پرداخت برات به او مراجعه نماید. (اسکینی، دکتر ربیعا، همان منبع، ص 54)

ماده‌ی 19 قانون صدور چک نیز در خصوص صدور چک به وکالت یا نمایندگی می‌باشد.<sup>1</sup> در این ماده برخلاف ماده‌ی 227 ق.ت نحوه‌ی مسئولیت نماینده‌ی

---

1. ماده 19 قانون صدور چک «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود به علاوه امضاءکننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.»

صادرکننده چک نیز مشخص گردیده است و آن داشتن مسئولیت کیفری صدور چک بلامحل بطور مستقل و مسئولیت تضامنی با صاحب حساب در مورد وجه چک و کلیه خسارات می باشد.

ماده‌ی 252 آیین نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا در خصوص مسئولیت نماینده‌ی صادرکننده چک می باشد<sup>1</sup>: طبق این ماده همانند ماده‌ی 19 قانون صدور چک، نماینده‌ی صادرکننده به همراه صاحب حساب (اصیل) مسئولیت تضامنی دارد و در هر دو ماده فوق از نماینده‌ی صادرکننده با عبارت «صادرکننده‌ی چک» و از اصیل به عنوان «صاحب حساب» یاد شده است.

در کتب اغلب حقوقدان‌های کشورمان نیز در خصوص موضوع ظهنویسی اسناد تجاری توسط نماینده و نحوه‌ی مسئولیت وی مطلب خاصی دیده نمی شود. فقط عده‌ی قلیلی در خصوص موضوع طبق عبارات ذیل مطالبی نگاشته‌اند که عیناً آورده می شود.

دکتر محمد صقری در کتاب: حقوق بازرگانی (اسناد) «تحت عنوان «ظهنویسی به توسط نماینده» در این خصوص مقرر می دارد: «اختیار تسلیم در این حالت، تابع همان قواعدی است که در بخش صدور بیان گردید مدیر تصفیه‌ی شرکت منحل یا ورشکسته می تواند در چارچوب قانونی به پشت‌نویسی اسناد براتی پردازد. در این صورت نماینده، شخص اصیل را متعهد می سازد و خود با صحت عمل در حدود اختیارات، مسئولیتی نخواهد داشت.» (دکتر صقری، محمد، حقوق بازرگانی «اسناد» چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، سال 1380، ص 140) همچنین «در صورتی که سند به وسیله شرکت ظهنویسی می شود باید وفق مواد 118 اصلاحی و 105 ق.ت واجد امضای مدیران صاحب امضاء باشد.» (صقری، دکتر محمد، همان منبع، ص 131)

برخی نیز معتقدند که «هر کسی امضای خود را بر روی برات به عنوان نماینده‌ی شخص دیگری بگذارد که از طرف او وکالت در عمل ندارد، خودش به موجب براتی که امضاء کرده است متعهد است و در صورتی که برات را پرداخت کند دارای کلیه‌ی

---

1. ماده 252 آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء: «در صورتیکه چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجراییه بر علیه آنها بر اساس تضامن صادر می شود»

حقوقی است که موکل مورد ادعای او دارد و برای نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است به همین ترتیب عمل می‌شود.» (ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ نهم، 1385، نشر دادگستر، صص 29 و 28).

عدم ذکر امکان ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده در قانون تجارت و سایر قوانین مربوطه مشکلی ایجاد نمی‌نماید چون طبق قواعد کلی حقوق مدنی در باب وکالت هر شخصی که خود قادر به انجام عمل حقوقی مشخصی می‌باشد (مانند ظهرنویسی) می‌تواند انجام آن را به شخص دیگری (وکیل یا نماینده) بسپارد. (ماده‌ی 662 ق.م) هیچ یک از مقررات کشور ما از جمله قانون تجارت این عمل را منع ننموده‌اند. امکان صدور برات و سفته و چک به نمایندگی طبق مواد 227 قانون تجارت و 19 قانون صدور چک و 252 آیین‌نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا بر صحت ظهرنویسی به نمایندگی نیز دلالت دارد و حقوقدانان کشورمان نیز در خصوص ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده مطالبی نگاشته و بر انجام این عمل صحه گذارده‌اند. هرچند بهتر بود قانونگذار همانند صدور برات و سفته و چک توسط نماینده (مواد 227 ق.ت و 19 قانون صدور چک و ماده‌ی 252 آیین‌نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا) در خصوص ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده نیز تصریح می‌نمود.

ما در جهت بررسی دقیق‌تر موضوع در حقوق ایران در صدد برآمدیم که ظهرنویسی برات و سفته و چک توسط نمایندگان اشخاص حقیقی و حقوقی را بطور جداگانه بررسی نماییم.

### 1-1. نماینده‌ی شخص حقیقی

در واقع مسأله این است که شخص حقیقی، دارنده‌ی برات یا سفته یا چکی بوده که اولین بار در وجه وی صادر گردیده یا بعداً بنفع وی ظهرنویسی شده و می‌خواهد آن را از طریق نماینده (وکیل) خود به نفع شخص ثالثی ظهرنویسی نماید. مسئولیت یا عدم مسئولیت اصیل یا نماینده و نحوه‌ی مسئولیت آنها بدین قرار است:

1-1-1. نماینده اختیار ظهرنویسی داشته و هنگام ظهرنویسی، سمت خود را ذیل امضا خود درج نموده و صراحتاً نمایندگی وی در ظهر سند بیان شده است و

نماینده‌ی مزبور از حدود اختیار نیز خارج نشده است. در این صورت دارنده‌ی سند حق مراجعه به نماینده‌ی مزبور را نخواهد داشت و به دلایلی که ذکر می‌شود بایستی فقط به اصیل مراجعه نماید.

الف: طبق ماده‌ی 674 قانون مدنی، تعهداتی (ظهنویسی) که وکیل در حدود وکالت خود کرده، بر عهده‌ی موکل است و بایستی تعهدات مزبور را انجام دهد لذا از آنجا که نماینده و وکیل در حدود وکالت خود و به دستور اصیل سند را ظهنویسی نموده لذا مسئولیتی بر عهده‌ی نماینده متصور نیست و مسئول اصلی خود اصیل است نه نماینده و اگر اعمال نماینده در چهارچوب نمایندگی انجام گیرد متوجه منوب‌عنه است نه نماینده.

ب: طبق ماده‌ی 403<sup>1</sup> قانون تجارت ضمانت تضامنی فقط بموجب قوانین یا قرارداد خصوصی برقرار می‌شود. با ملاحظه‌ی قانون تجارت و قانون صدور چک و سایر قوانین مربوطه نصی پیدا نمی‌شود که نماینده را به همراه اصیل و سایر مسئولین بطور تضامنی در مقابل دارنده‌ی سند مسئول قلمداد نموده باشد. ماده‌ی 249 قانون تجارت و مواد 309 و 314 ق.ت که مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان اسناد تجاری را بیان می‌دارد فقط از مسئولیت تضامنی برات‌دهنده و برات‌گیر و ظهنویس‌ها و ضامنین آنها صحبت می‌نماید و از مسئولیت تضامنی نماینده‌ی ظهنویس صحبتی به میان نیاورده است. ولی در صورت وجود قرارداد خصوصی فی‌مابین نماینده ظهنویس و دارنده‌ی سند مبنی بر مسئولیت تضامنی نماینده در مقابل دارنده، طبق ماده 403 ق.ت نماینده در هر صورت مقابل دارنده سند مسئول تلقی خواهد شد و در صورت پرداخت سند، خود دارنده محسوب شده و حق مراجعه به اصیل و ایادی ماقبل خود را دارد.

ج: در صورت تردید در مسئولیت یا عدم مسئولیت نماینده ظهنویس، اصل عدم مسئولیت نماینده‌ی ظهنویس می‌باشد.

د: قانونگذار استثنائاً در چک آن هم در صدور چک به نمایندگی نه ظهنویسی

---

1. ماده 403 ق.ت مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد، طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود به تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.»

به نمایندگی، طبق مواد 19 قانون صدور چک و ماده‌ی 252 آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، نماینده را به همراه صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی مسئول تضامنی قلمداد نموده است که بیانگر این موضوع است که این احکام استثنایی بوده و بایستی به نحو مضیق تفسیر شود. لذا نماینده‌ی صادرکننده در برات و سفته و نماینده‌ی ظهرنویس در برات و سفته و چک هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده در فرض فوق‌الذکر نداشته و ندارد. در واقع در ماده‌ی 19 و 252 فوق، قانونگذار در مقام بیان مسئولیت نماینده‌ی صادرکننده‌ی چک بوده و اگر نماینده‌ی ظهرنویس چک نیز مسئولیت داشت، آن را بطور صریح ذکر می‌نمود.

1-1-2. نماینده‌ی ظهرنویس، سمت خود را در سند آشکار ننموده و دارنده‌ی جدید از نماینده بودن وی بی‌اطلاع بوده است. در این حالت در واقع نماینده مانند حق‌العمل کار عمل نموده و به نام خود ولی به حساب دیگری اقدام نموده است. لذا نماینده در مقابل دارنده با حسن‌نیت اصیل تلقی می‌شود و مسئولیت تضامنی خواهد داشت. مگر اینکه دارنده از نماینده بودن وی اطلاع داشته باشد که در این صورت موضوع مشمول فرض اول خواهد گردید.

1-1-3. نماینده خارج از حدود نمایندگی عمل نموده است. مثل اینکه نماینده فقط حق ظهرنویسی برای وکالت در وصول یا وثیقه را داشته و حق ظهرنویسی برای انتقال را نداشته است. از آنجاکه وکیل، امین محسوب می‌شود، وکیل خیانت در امانت نموده است و اصولاً این ظهرنویسی فضولی بوده و در صورت عدم تنفیذ اصیل، عمل مزبور باطل تلقی می‌شود. (مواد 663 و 674 ق.م) ولی از آنجاکه حقوق دارنده‌ی سند با حسن نیت از خود سند ناشی می‌شود و بایستی از دارنده‌ی مزبور حمایت شود والا اسناد تجاری مانند اسناد عادی تلقی خواهد شد. لذا سایر امضاءکنندگان از جمله نماینده‌ی فضول طبق اصل استقلال امضاءها و اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن‌نیت مسئول تلقی می‌شوند و در چک طبق نص ماده‌ی 14 قانون صدور چک، ظهرنویس می‌تواند شکایت خیانت در امانت نموده و جلوی پرداخت وجه چک را گرفته و در صورت اثبات جرم مزبور طبق ماده‌ی 14 به حقوق قانونی خود دست یابد. (بررسی ماده‌ی 14 مزبور از حوصله‌ی این مقال خارج است). البته حکم مندرج در این فرض سوم، شامل حالتی نیز می‌شود که شخص ظهرنویسی کننده

به ظاهر خود را نماینده قلمداد نموده در حالی که هیچ‌گونه اذنی در خصوص ظهرنویسی نداشته است.

## 1-2. نماینده‌ی شخص حقوقی

در واقع در این حالت شخص حقوقی (اعم از اشخاص حقوقی تاجر و غیرتاجر) از طریق نمایندگان خود مبادرت به ظهرنویسی اسناد تجاری (اعم از برات و سفته و چک) می‌نمایند. فرق عمده‌ای که این نوع ظهرنویسی با ظهرنویسی توسط نماینده‌ی قراردادی شخص حقیقی دارد، این است که شخص حقیقی خود توانایی انجام ظهرنویسی را دارد و اگر آنرا به نماینده یا وکیل محول می‌کند، از سر اجبار نیست بلکه اختیاری است ولی اشخاص حقوقی از آنجاکه اشخاص اعتباری می‌باشند و قادر به انجام اعمال مادی و فیزیکی (مانند ظهرنویسی) نمی‌باشند طبق ماده‌ی 589 قانون تجارت که می‌گوید: «تصمیمات شخص حقوقی به وسیله‌ی مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه‌ی صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته می‌شود» اشخاص حقوقی ناچارند که در صورت دارنده بودن اسناد تجاری و تصمیم به انتقال آن‌ها، ظهرنویسی را از طریق نمایندگان (مقامات) که به موجب قانون یا اساسنامه تعیین شده‌اند، انجام دهند.

ماده‌ی 584 قانون تجارت اشخاص حقوقی حقوق عمومی را «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی» نامیده است که ایجاد این مؤسسات و تشکیلات به موجب قانون خاصی خواهد بود. (حسینی، دکتر حسن، حقوق تجارت، چاپ سوم، پاییز 1383، نشر میزان، ص 706). و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی در مواد 583 (شرکتهای تجاری) و ماده‌ی 584 (تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری) بیان شده‌اند.

به علت گستردگی اشخاص حقوقی، فقط ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نمایندگان شرکت‌های تجاری را مورد بررسی قرار می‌دهیم. هر چند احکام آتی‌الذکر در خصوص شرکتهای تجاری اغلب موارد قابل تسری به اشخاص حقوقی دیگر نیز خواهد بود.

ابتدا بایستی متذکر شد که بندهای (فروض) سه‌گانه ذکر شده در بحث ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده‌ی شخص حقیقی عیناً در خصوص ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده‌ی شخص حقوقی نیز جاری و ساری است. لذا می‌توان

فروض ذیل را در خصوص مسئولیت یا عدم مسئولیت نماینده و اصیل یا نحوه‌ی مسئولیت نماینده و اصیل (اعم از تضامنی و غیره) تصور نمود.

1-2-1. نماینده‌ی شرکت تجارتي (اعم از مدیرعامل به تنهایی یا رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل متفقاً طبق اساسنامه شرکت) سمت خود را در ذیل امضا خود درج نموده و نماینده‌ی مزبور از حدود اختیار تفویضی به وی در اساسنامه‌ی خارج نشده است که در این صورت طبق چهار استدلال ذکر شده در بحث نماینده‌ی شخص حقیقی، نماینده‌ی شخص حقوقی هیچ‌گونه مسئولیت حقوقی در مقابل دارنده‌ی سند نداشته و فقط شخص حقوقی در برابر دارنده‌ی سند به همراه سایر امضاکنندگان مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

در شرکت‌های تجارتي اغلب امضاء اوراق بهاء‌دار و تعهدآور مانند برات و سفته و چک با امضای نماینده‌ی شرکت همراه با مهر شرکت معتبر است و در ظهنویسی وجود مهر شرکت در پشت اسناد تجاری به همراه امضای نماینده‌ی شرکت حاکی از دو امر است: اولاً این که طبق اساسنامه شرکت یکی از اجزای اعتبار ظهنویسی (یعنی مهر شرکت) حاصل و موجود است

ثانیاً این که مهر شرکت نشانگر این است که شخص امضاکننده، نماینده‌ی شرکت است نه اصیل. در واقع در این فرض نماینده دارای اختیار عمل بوده و سمت نمایندگی خود را درج نموده و اصیل (شرکت تجارتي) مشخص بوده و نماینده از حدود اختیار نیز خارج نشده است.

1-2-2. نماینده‌ی شخص حقوقی، سمت خود را در سند آشکار ننموده و دارنده از نماینده‌بودن وی بی‌اطلاع بوده است. لذا- همچنانکه قبلاً گفته شد- نماینده مانند حق‌العمل کار عمل نموده و به نام خود و به حساب دیگری عمل نموده است لذا نماینده در مقابل دارنده با حسن‌نیت اصیل تلقی می‌شود و مسئولیت تضامنی خواهند داشت. مگر این که دارنده از نماینده بودن وی اطلاع داشته باشد که در این صورت موضوع مشمول بند اول خواهد گردید.

1-2-3. نماینده‌ی شخص حقوقی خارج از حدود نمایندگی عمل نموده است که حکم این فرض عیناً همان حکم بند سوم بحث نماینده شخص حقیقی می‌باشد.

1-2-4. در حالی که اسناد تجاری توسط نمایندگان شخص حقوقی (مانند

شرکتهای تجاری) ظهنویسی می شود فرض چهارمی نیز می توان تصور نمود و آن این که ظهنویسی مطابق با اساسنامه ی شخص حقوقی انجام نشده باشد مانند این که در اساسنامه شرکت قید شده است که امضای اوراق بهادار و تعهدآور مانند برات و سفته و چک با امضای مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و همراه با مهر شرکت معتبر است در حالی که ظهنویسی مزبور فقط به امضای یکی از آنها همراه با مهر شرکت بوده است در این خصوص وضعیت شرکت سهامی عام و خاص و با مسئولیت محدود متفاوت است.

الف. شرکت با مسئولیت محدود

ماده ی 105 قانون تجارت در خصوص حدود اختیارات مدیران شرکت بیان می دارد: «مدیران شرکت با مسئولیت محدود کلیه ی اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره ی شرکت خواهند داشت مگر این که در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد، هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.»

به هر حال در صورتی که در اساسنامه ی شرکت اختیارات مدیر شرکت محدود نشده باشد و این محدودیت ثبت و آگهی نشده باشد، قراردایی که بین شرکاء و مدیر شرکت راجع به محدودیت اختیارات او گذاشته شده باشد، نسبت به اشخاص ثالث اعتبار ندارد ولی مدیری که از اختیارات خود تجاوز کند، در مقابل شرکاء مسئولیت شخصی دارد. (ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، پاییز 76، نشر دادگستر، ص 269)

به عبارت دیگر طبق ماده ی 105 ق.ت اصل بر اختیار مطلق و بدون قید و شرط مدیران شرکت با مسئولیت محدود است مگر این که در اساسنامه شرکت این اختیارات محدود و مقید شده باشد که در این صورت این محدودیت ها در مقابل اشخاص ثالث نیز قابل استناد است. اگر این محدودیت ها در اساسنامه قید نشده باشد (مانند اینکه این محدودیت ها ما بین شرکا و مدیران بوده و در اساسنامه قید نشده باشد) در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نبوده و باطل و کان لم یکن است. در واقع اشخاص ثالث که اسناد تجاری را از نمایندگان شرکت با مسئولیت محدود از طریق

ظهنرونیسی، دارا می‌شوند، بایستی همیشه اساسنامه‌ی شرکت با مسئولیت محدود را هنگام دریافت اسناد تجاری مورد ملاحظه قرار بدهند تا محدودیت‌های اختیارات نمایندگان شرکت موجب تضرر دارندگان با حسن نیت نشود. در واقع در این شرکت‌ها از اشخاص ثالث با حسن نیت حمایت کافی بعمل نیامده است و ماده‌ی 105 ق.ت با اصل سرعت در تجارت نیز ناسازگار است. لذا در صورتی که نمایندگان شرکت با مسئولیت محدود طبق اساسنامه‌ی شرکت حق ظهنرونیسی اسناد تجاری مثلاً بیش از 100 میلیون تومان را نداشته باشند و علیرغم این محدودیت آن را ظهنرونیسی نمایند طبق ماده‌ی 105 قانون تجارت شرکت نسبت به مازاد از حد اختیار، هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده‌ی مزبور نخواهد داشت.

سؤال این است که آیا نماینده‌ای که از حدود اختیار خارج شده است در برابر شخص ثالث مسئولیتی دارد یا خیر؟ برخی حقوقدانان معتقدند در صورتی که وکیل صادرکننده از حدود اختیار خارج شده باشد، دارنده بر اساس مقررات عام مسئولیت مدنی، از وکیل که از مورد وکالت خارج شده و قرارداد بی‌اثری را امضاء نموده است، شکایت حقوقی کند معذک، در این جا باید توجه داشت که اصل استقلال امضاها ایجاب می‌کند که منهای وکیل و موکل سایر مسئولین برات قابل تعقیب باشند. (اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت تطبیقی، چاپ اول، مهر 1373، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ص 45)

در سؤال فوق نماینده، نماینده ظهنرونیس است و یک سند تجاری با ارزش را از ید شرکت خارج نموده است و عمل نماینده، طبق ماده‌ی 674 ق.م فصولی بوده و در صورت عدم تنفیذ شرکت، شرکت هیچگونه تعهدی در خصوص دارنده نداشته و ظهنرونیسی مزبور باطل می‌شود. ولی در اسناد تجاری از آنجاکه حقوق دارنده سند از خود سند ناشی می‌شود، این ایراد در مقابل دارنده با حسن نیت سند قابل استناد نمی‌باشد و طبق اصل استقلال امضاها و اصل غیرقابل استناد بودن ایرادها در برابر دارنده با حسن نیت اشخاص دیگر امضاءکننده سند از جمله نماینده فصول همچنان در برابر دارنده با حسن نیت سند مسئول باقی خواهد ماند.

ب. شرکت سهامی عام و خاص

طبق ماده‌ی 118 لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در شرکت‌های سهامی وضعیت به کلی متفاوت است. در این شرکت‌ها اختیارات مدیران مطلق بوده و مدیران شرکت دارای کلیه‌ی اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند حتی اگر اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی محدود شود، بازهم این محدودیت در مقابل اشخاص ثالث دارنده‌ی سند تجاری قابل استناد نیست، لذا ظهرونی‌سی مزبور معتبر می‌باشد.

به عبارت دیگر، در هر دو شرکت می‌توان اختیارات مدیران را در اساسنامه محدود ساخت. لیکن در شرکت سهامی این محدودیت فقط در روابط میان مدیران و شرکت معتبر است و در برابر اشخاص خارج از شرکت قابلیت استناد ندارد در حالی که در شرکت با مسئولیت محدود هر گونه محدودسازی در خصوص اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح شده باشد نه فقط در رابطه با مدیران و شرکت بلکه نسبت به اشخاص ثالث نیز قابل استناد است. (پاسبان، دکتر محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، زمستان 1385، انتشارات سمت، ص 324).

طبق ماده‌ی 118 لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بطور کلی فقط در دو حالت محدودیت اختیارات مدیران در مقابل ثالث نیز قابل استناد بوده و شرکت هیچ گونه مسئولیتی ندارد. اول اینکه اختیار مزبور جزو موضوعاتی است که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره‌ی آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است. دوم این که اقدام مدیران خارج از حدود موضوع شرکت باشد. در حالی که اولاً: ظهرونی‌سی اسناد تجاری توسط مدیران شرکت جزء اختیارات ذاتی مدیران بوده و طبق مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ظهرونی‌سی توسط نمایندگان در صلاحیت خاص مجامع عمومی شرکت‌های سهامی عام و خاص نمی‌باشد. ثانیاً: ظهرونی‌سی توسط مدیران همیشه عملی در حدود موضوع شرکت می‌باشد چون موضوع شرکت‌های سهامی عام و خاص طبق ماده 2 لایحه اصلاحی مزبور انجام امور بازرگانی است و ظهرونی‌سی اسناد تجاری توسط شرکت مزبور تجاری محسوب شده و در چهارچوب موضوع شرکت است و در شرکت‌های سهامی از اشخاص ثالث به خوبی حمایت شده است.

لذا در شرکت‌های سهامی عام یا خاص اگر اختیارات مدیران در خصوص

ظهنرنویسی اسناد تجاری در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی محدود شده باشد و مدیران شرکت بر خلاف محدودیت‌های فوق مبادرت به ظهنرنویسی نمایند، طبق ماده‌ی 118 فوق‌الذکر این محدودیت در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نبوده و باطل است. لذا ظهنرنویسی مزبور صحیح تلقی می‌شود. در صورتی که از اقدام مدیران خسارتی متوجه شرکت گردد، طبق ماده‌ی 666 ق.م که مقرر می‌دارد: «هر گاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل سبب آن محسوب می‌گردد، مسئول خواهد بود» مدیران بایستی جبران خسارت نمایند.

گفتیم که در شرکت‌های سهامی بطور مطلق و در شرکت با مسئولیت محدود به طور مفید از شخص ثالث حمایت شده است. حال سؤال این است که منظور از شخص ثالث چه شخصی است؟ منظور شخص ثالث با حسن نیت است که اطلاعی از محدودیت اختیارات مدیران ندارد ولی اگر اثبات شود که شخص ثالث از محدودیت اختیار مدیران در خصوص ظهنرنویسی اسناد تجاری مطلع بوده است این محدودیت در مقابل او نیز قابل استناد است چون شخص ثالث از محدودیت آگاه بوده، لذا با حسن نیت تلقی نمی‌شود و ثالث نیز در واقع به ضرر خود اقدام نموده است و در کلیه‌ی مقررات قانون تجارت که از ثالث حمایت شده منظور ثالث با حسن نیت است. (حسن‌زاده، حیدر، جزوه حقوق تجارت 2، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، نیمسال اول 87-86، ص 21) لذا ظهنرنویسی مزبور صحیح نمی‌باشد و شرکت در مقابل ثالث هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهد داشت.

### ج. شرکت تضامنی و نسبی

در شرکت تضامنی و نسبی مدیر شرکت تضامنی برای این که بتواند شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد سازد باید به نام شرکت و در حدود اختیارات خود اقدام و اتخاذ تصمیم نماید. در غیر این صورت شخصاً مسئول تعهدات مزبور خواهد بود. به نظر می‌رسد که اساسنامه باید دقیقاً قلمرو اختیارات مدیر را تعیین نماید. (دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ اول، بهار 1373، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ص 77)

لذا در صورتی که مدیران مطابق اختیارات تفویضی اقدام به ظهنرنویسی نمایند

صحیح و معتبر می‌باشد. والا این ظهنویسی غیرنافذ بوده و صحیح نمی‌باشد. که احکام آن در بحث شرکت با مسئولیت محدود به تفصیل بیان گردید ضمن آن که طبق ماده 185 ق.ت احکام شرکت تضامنی در این مورد در خصوص شرکت نسبی نیز لازم الرعایه است.

## 2. ظهنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری در قوانین متحدالشکل ژنو

در خصوص برات و سفته و چک دو کنوانسیون در سالهای 1930 و 1931 میلادی در ژنو تصویب شده که طبق ضمیمه‌ی اول کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل در خصوص بروات و سفته‌ها مصوب 7 ژوئن 1930 که به قانون متحدالشکل ژنو معروف است، مقررات بین‌المللی در خصوص بروات و سفته‌ها تصویب گردیده است. طبق ضمیمه‌ی اول کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل در خصوص چک مصوب 19 مارس 1931 که به قانون متحدالشکل ژنو معروف است، مقررات بین‌المللی در خصوص چک تصویب گردیده است که اغلب کشورها به هر دو کنوانسیون ملحق شده‌اند ولی کشور ما تاکنون به هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های فوق‌الذکر ملحق نشده لذا در کشور ما این کنوانسیون‌ها قابلیت اجرایی ندارند.

### 2-1. قانون متحدالشکل ژنو در خصوص برات و سفته

قسمت اخیر ماده‌ی 3 قانون یکنواخت ژنو در خصوص برات و سفته مقرر می‌دارد: «ممکن است برات به حساب شخص ثالث صادر گردد.» (اسکینی، دکتر ربیعا، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شمار دوازدهم، ص 279). در واقع همانند ماده‌ی 227 قانون تجارت ایران، در قسمت اخیر ماده‌ی 3 قانون فوق امکان صدور برات توسط نماینده پیش‌بینی شده است که نماینده‌ی مزبور بایستی اختیار لازم را جهت انجام مورد وکالت داشته باشد.

ماده‌ی 8 قانون یکنواخت ژنو در خصوص برات و سفته، در مورد نماینده‌ای صحبت می‌کند که اولاً نماینده‌ی صادرکننده برات و سفته است نه نماینده‌ی ظهنویس؛ ثانیاً این نماینده فاقد اختیار لازم برای نمایندگی بوده یا از حدود اختیارات خود تجاوز نموده است که در این خصوص ماده‌ی 8 مقرر می‌دارد:

«هر کس امضا خود را به عنوان نماینده‌ی شخصی در ورقه‌ی برات منعکس نماید بدون این که قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد مثل دیگر متعهدان سند مسئول است و اگر وجه سند را پرداخت کند دارای حقوق همان شخصی خواهد بود که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، جاری است.» (اسکینی، دکتر ربیعا، مجله حقوقی، همان منبع، ص 280)

بعقیده‌ی برخی حقوقدانان در ماده‌ی 8 فوق در صورت وجود دو شرط، نماینده در قبال دارنده‌ی سند مسئول نبوده و اصیل بعنوان برات‌دهنده شناخته می‌شود. شرط اول آن است که عنوان نمایندگی در خود برات ذکر شده باشد. لازم به یادآوری است که یک تئوری مطرح در اسناد تجاری وجود دارد که به تئوری عمل به ظاهر معروف است، بر اساس این تئوری، مندرجات سند نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. شرط دوم این است که نماینده برای صدور سند دارای اختیار بوده باشد و اگر این شرط لازم نباشد دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هر کسی ممکن است که ادعا کند از طرف دیگری نمایندگی در صدور سند داشته است. بنابراین در کلیه‌ی موارد باید اثبات شود که اصیل برای صدور سند به نماینده اختیار داده است و گاهی ممکن است که نماینده دارای اختیار بوده ولی از حدود اختیار خود تجاوز نموده است. مثلاً حق داشته است تا مبلغ یک میلیون تومان اسناد تجاری صادر نماید در حالی که براتی به مبلغ ده میلیون تومان صادر کرده است. در اینجا نماینده تا مبلغ یک میلیون تومان دارای اختیار بوده، بنابراین برات دارای دو برات‌دهنده می‌باشد یکی اصیل تا مبلغ یک میلیون تومان و دیگری نماینده‌ی نسبت به مازاد آن. (فخاری، دکتر امیرحسین، دست‌نوشته‌های درس حقوق تجارت، مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، توضیحات ماده 8 قانون یکنواخت ژنو)

پس می‌توان گفت طبق مفهوم مخالف ماده‌ی 8 قانون یکنواخت ژنو اگر شخصی امضای خود را بعنوان نماینده‌ی شخصی (اصیل) در ورقه‌ی برات درج نماید و قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب برات‌دهنده داشته باشد، نماینده هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده‌ی سند نداشته و اصیل مسئول تلقی خواهد شد. طبق ماده‌ی 8 اگر نماینده سمت خود را در برات درج ننماید (حتی اگر واقعاً

نماینده برات‌دهنده باشد) یا قانوناً نمایندگی از طرف برات‌دهنده نداشته باشد اصیل (برات‌دهنده) هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته ولی نماینده مانند دیگر متعهدان سند مسئول خواهد بود. البته در حالتی که نماینده از حدود اختیار خارج شده است نیز همین قاعده حکمفرما خواهد بود.

در اسناد تجاری غیر از مدیون واقعی (برات‌گیر در برات و متعهد سفته در سفته) سایر مسئولین در صورت پرداخت وجه سند، خود دارنده‌ی سند محسوب شده و حق مراجعه به ایادی ماقبل خود را دارند. در ماده‌ی 8 فوق‌الذکر نیز اگر نماینده‌ی فضول وجه سند را به دارنده پرداخت نماید دارای حقوق برات‌دهنده‌ای که از جانب او ادعای نمایندگی نموده خواهد بود. لذا فقط حق مراجعه به برات‌گیر قبول‌کننده را داشته و در صورت عدم قبول برات توسط برات‌گیر حق مراجعه به وی را نیز نخواهد داشت. طبق نظر آقای دکتر فخاری در صورتی که برات توسط برات‌گیر قبول نشود بر اساس مقررات حاکم بر اسناد تجاری نماینده به هیچ‌کسی حق مراجعه ندارد و اگر حق رجوعی برای او متصور باشد مبتنی بر مقررات عمومی است. (فخاری، دکتر امیرحسین، همان منبع، توضیحات ماده 8 قانون یکنواخت ژنو)

## 2-2. قانون متحدالشکل ژنو در خصوص چک

مقررات ماده‌ی 8 قانون یکنواخت ژنو در خصوص برات وسفته، طبق ماده‌ی 11 قانون یکنواخت ژنو در خصوص چک، عیناً در خصوص صدور چک توسط نماینده‌ی غیر قانونی تکرار شده است.

ماده‌ی 11 قانون یکنواخت ژنو راجع به چک مقرر می‌دارد: «هر کس بدون داشتن هیچ‌گونه اختیار، چکی را به عنوان نماینده‌ی شخصی امضا نماید، به عنوان طرف چک مسئول است و اگر وجه آن را پرداخت کند، دارای حقوق همان شخصی است که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده، جاری است. (اسکینی، دکتر ربیعا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره سیزدهم، صفحه 371).

با ملاحظه مواد 8 قانون متحدالشکل ژنو در خصوص برات و سفته و ماده‌ی 11 قانون متحدالشکل ژنو در خصوص چک روشن می‌شود که قوانین متحدالشکل ژنو

در خصوص مسئولیت نماینده‌ی صادرکننده برات و سفته و چک و شرایط آن مقرراتی را اختصاص داده‌اند که می‌تواند مورد استفاده‌ی حقوقدانان و محاکم ما نیز قرار گیرد. ولی سؤالی که باقی می‌ماند این است که آیا مواد 8 و 11 فوق را می‌توان در خصوص ظهرنویسی برات و سفته و چک توسط نماینده نیز حاکم دانست که در این مورد به دو روش می‌توان اقدام نمود:

روش اول: هر چند مواد 8 و 11 فوق‌الذکر زیر عنوان در تنظیم و شکل ظاهری برات و سفته و چک قرار دارند و اصولاً بایستی فقط شامل صدور برات و سفته و چک توسط نماینده دانست. ولی شاید بتوان گفت که این مواد کلی بوده و شامل ظهرنویسی توسط نماینده نیز می‌شود چون اولاً در ماده‌ی 8 و 11 از شخص اصیل با عنوان «PERSON» یعنی «شخص» نامبرده شده است و از کلمه‌ی «DRAWER» یعنی «برات‌دهنده» استفاده نشده است. در حالی که اگر منظور مقنن در مواد 8 و 11 صدور برات از طرف برات‌کش می‌بود بایستی به جای کلمه‌ی کلی «شخص» از کلمه‌ی «برات‌دهنده» استفاده می‌نمود. ثانیاً در بخش اول قانون یکنواخت ژنو در خصوص برات و سفته که شامل 10 ماده در خصوص تنظیم و شکل ظاهری برات می‌باشد، غیر از ماده‌ی 8، ماده‌ی 7 نیز شامل قاعده‌ی کلی بوده (اصل استقلال امضاها) و فقط شامل صدور برات نمی‌شود.

روش دوم: مقررات مواد 8 و 11 قوانین متحدالشکل ژنو در خصوص برات و سفته و چک شامل نمایندگی در صدور اسناد فوق بوده و شامل نمایندگی در ظهرنویسی اسناد تجاری نمی‌باشد. ولی باز هم با وحدت ملاک از نص مواد 8 و 11 فوق می‌توان گفت که وقتی صدور و ایجاد سند توسط نماینده امکان‌پذیر باشد به طریق اولی انتقال آنها نیز توسط نماینده امکان‌پذیر است و مقررات مواد 8 و 11 در خصوص ظهرنویسی اسناد تجاری توسط نماینده موضوعیت خاصی ندارد که نتوان مقررات مواد 8 و 11 را شامل ظهرنویسی توسط نماینده دانست. در واقع با توجه به دو طریق فوق مواد 8 و 11 قانون فوق در خصوص ظهرنویسی برات و سفته و چک توسط نماینده نیز حاکم می‌باشد.

### 3. ظهنروسی به نمایندگی در اسناد تجاری در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس زمانی که یک نماینده براتی را صادر یا ظهنروسی یا قبول می‌نماید، مقررات خاصی در قانون بروات انگلستان مصوب 18 اگوست 1882 میلادی پیش‌بینی شده است که ذیلاً ذکر می‌شود:

در قانون بروات انگلستان دو ماده به نمایندگی اختصاص داده شده است که این مواد عبارتند از مواد 25 و 26 که عیناً نقل می‌شود:

ماده‌ی 25 قانون بروات انگلستان مقرر می‌دارد: «امضائی که در قالب وکالت در سند درج شده حاکی از این اخطار است که نماینده اختیار محدودی برای امضاء داشته و اصیل فقط زمانی در قبال چنین امضائی مسئول خواهد بود که نماینده در چهارچوب اختیار خود عمل نموده باشد.»

(F.D.Rose.MA-R-Statutes on Commercial & Consumer Law - 8<sup>th</sup> Edition- Black stone- Press Limited- 1999-2000 - Page 15.)

ماده‌ی 26 قانون بروات انگلستان مقرر می‌دارد:

1. هرگاه شخصی براتی را به عنوان برات‌دهنده یا ظهنرویس یا قبول‌کننده امضاء نماید و امضای وی حاوی عباراتی باشد که بیانگر این است که او از طرف اصیل امضاء نموده است، شخصاً مسئول امضاء مزبور نخواهد بود. اما صرف اضافه نمودن عباراتی به امضای خود که او را نماینده توصیف‌نماید، نمی‌تواند او را از مسئولیت شخصی معاف نماید.

2. در تعیین این که امضای مندرج در برات به عنوان اصیل است یا نماینده، باید فرضی را پذیرفت که بر اساس آن اعتبار سند مورد پذیرش قرار گیرد. به این معنی که امضاکننده به عنوان اصیل امضا نموده است. (Ibid. Page16)

طبق ماده‌ی 23 قانون بروات انگلستان اگر شخصی براتی را امضا نماید، هیچ مسئولیتی نیز نخواهد داشت. عبارت دیگر این ماده پیشنهاد می‌نماید که برای این که شخص اصیل به‌عنوان برات‌دهنده یا ظهنرویس یا برات‌گیر مسئول باشد بایستی خودش سند را امضای نماید و امضا نماینده کافی نیست. البته بند 1 ماده 91 این قانون، مقررات فوق را تعدیل می‌نماید. و آن ابنة هرجا که در این قانون لازم است که سندی بوسیله‌ی شخصی امضا شود، ضرورتی ندارد که او امضا را شخصاً در سند درج نماید،

بلکه اگر شخص دیگری با اختیار اعطائی توسط او سند را امضاء نماید کافی است. (GHL Fridman, The Law of Agency- sixth Edition Butterworth- 1988- London- Page 342.)

در واقع برای اینکه امضا نماینده‌ی شخص اصیل را متعهد سازد بایستی اولاً نماینده به نام اصیل امضا نماید. ثانیاً اختیار انجام این عمل را داشته باشد. در غیر این صورت امضای مزبور اصیل را متعهد نخواهد نمود. (Ibid. Page 342)

طبق ماده‌ی 25 قانون بروات انگلستان، امضای به عنوان وکالت بیانگر این امر است که وکالت وکیل محدود است و اصیل در صورتی مسئول است که وکیل در حدود وکالت عمل نموده باشد. از این رو هر شخصی که چنین سندی را به دست می‌آورد ممکن است هیچ‌گونه حقی را دارا نشود.

(Reid v Rigby & co (1894) 2 Q B 40. sniderman v Mc Gawy (1967) 60 DLR (2d) 404. Law of Agency. Ibid. Page 342.)

امضای وکلای دعاوی امضائی است که فرض می‌شود که اختیارات آنها محدود است. از این رو اصیل فقط زمانی مسئول خواهد بود که اختیار اعطائی در وکالت نامه آن را تجویز نماید. (Midland Bank v Reckitt (1933) AC.1. ibid.PP 342,343.)

در خصوص امضای مدیران شرکت نیز بایستی گفت که در حقوق انگلستان اگر مدیری به نام شرکت امضا نماید، مانند این است که شرکا که در خصوص شرکت مسئولیت دارند، امضا نموده‌اند. طبق بند 2 ماده‌ی 91 قانون بروات انگلستان در صورتی که مدیری به نمایندگی سندی را امضاء نماید بایستی مهر شرکت نیز در سند درج گردد و مدیر به نام و به حساب شرکت سند را صادر نموده و مدیر بر طبق اختیارات اساسنامه شرکت عمل نموده باشد. که در این صورت شرکت مسئول امضا نماینده خواهد بود

(Ibid. Page 343).

اصیل زمانی مسئول است که نام وی در ذیل امضای نماینده به عنوان اصیل قید گردد. اگر نماینده سندی را به‌عنوان نماینده امضا نماید ولی اصیل را قید ننماید، خود اصیل تلقی خواهد شد. (Ibid. Page 343)

در حقوق انگلستان از دارنده‌ی با حسن نیت (Good Faith.) بطور کاملی حمایت شده است بدین نحو که اگر نماینده بدون داشتن اختیار، سندی را در مقابل عوض متناسب و با ارزش ظهنویسی نماید و این انتقال در برابر شخص ثالث با حسن

نیت که از فقدان اختیار نماینده آگاه نبوده معتبر می‌باشد و شخص اصیل ملتزم به ظهرنویسی خواهد بود. (Ibid. Page. 345) در واقع زمانی انتقال توسط نماینده فاقد اختیار معتبر نخواهد بود که یا این انتقال فاقد عوض بوده و دارنده بدون عوض، سند را تملک نموده یا شخص ثالث دارنده‌ی سند از عدم اختیار نماینده مطلع بوده است. در هر دو صورت این انتقال در برابر دارنده‌ی با حسن نیت نیز معتبر نمی‌باشد و إلا معتبر خواهد بود.

در حقوق انگلستان اختیار نماینده ظهرنویس یا برات‌دهنده یا برات‌گیر ممکن است صریح نبوده بلکه این اختیار به‌طور ضمنی از اوضاع و احوال استنباط شود. مانند این که نماینده سابقاً و به‌طور مستمر از طرف اصیل برات‌هایی را صادر یا ظهرنویسی یا قبول و اصیل اقداماتش را تأیید نموده است. در یک دعوا بر علیه برات‌گیر، دفاع برات‌گیر این بود که برات‌دهنده امضای وی را جعل نموده است. در جواب این دفاع اثبات شد که خواننده (برات‌گیر) سابقاً چنین قبول‌هایی را پذیرفته و وجه برات را پرداخته است. لذا دادگاه تصمیم گرفت که خواننده قبولی را پذیرفته است و بدین وسیله خودش را در برابر پرداخت وجه آن مسئول نموده است.

(Byles on Bills Of Exchange- Twenty Third Edition- by Maurice Megrah-London- sweet & Maxel- 1972. Page 55.)

در خصوص شرکت‌ها اگر ظاهر مفاد اساسنامه و شرکتنامه شرکت بیانگر این نکته باشد که مدیر شرکت در حدود اختیارات اعطائی از طرف اساسنامه عمل نموده و شخص ثالث به این ظاهر اعتماد دارد. در این صورت حتی اگر مدیر در واقع از حدود اختیارات خود خارج شده باشد، شرکت مسئول تلقی خواهد شد. این قاعده در انگلستان بسیار معروف است و به قاعده‌ی «Turqand» موسوم است چرا که در پرونده‌ای به همین نام ابراز شده است.

(Richardson (D) Aguide To Negotiable instruments. Fifth Edition Butter worths, London. 1976 . p70.)

(نقل از: اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت تطبیقی، همان منبع، ص 41)

طبق قسمت اخیر ماده‌ی 24 قانون بروات انگلستان در صورتی هم که نماینده فاقد اختیار برای صدور و ظهرنویس و قبولی باشد، اصیل می‌تواند بعداً اعمال نماینده را تأیید و تنفیذ نماید که در اینصورت اصیل در برابر دارنده‌ی سند مسئول خواهد بود

و مسئولیت نماینده از بین می‌رود.

سؤال دیگری که می‌تواند مطرح شود این است که اگر نماینده اختیار صدور برات را داشته باشد، اختیار ظهرنویسی برات را نیز دارد یا خیر؟ قاضی تیندال (Tindal) بیان داشته است که اختیار صدور برات توسط نماینده به خودی خود به معنای اختیار نماینده برای ظهرنویسی نیست ولی نظر هیأت منصفه در دعاوی این است که می‌توان اختیار کلی نماینده را برای ظهرنویسی استنباط نمود.

(Prescott v F linn(1832)9 Bing 19. Byles on Bills of Exchange. Ibid. Page 55.)

پس در حقوق انگلستان نماینده برات دهنده یا ظهرنویس یا برات‌گیر شخصاً در برابر اشخاص ثالث مسئول خواهد بود مگر اینکه بنام اصیل امضاء نموده و اسم اصیل را در ذیل امضای خود درج کرده باشد و برای امضای خود دارای اختیار بوده باشد.

### نتیجه

در قانون تجارت ایران و سایر قوانین مربوطه ما کوچکترین اشاره‌ای به امکان ظهرنویسی برات و سفته و چک توسط نماینده و مسئولیت یا عدم مسئولیت نماینده و اصیل و نحوه مسئولیت آنها نگردیده است بر خلاف ظهرنویسی، در خصوص امکان صدور برات و سفته توسط نماینده طبق ماده‌ی 227 قانون تجارت تصریح به عمل آمده است ولی در مورد مسئولیت نماینده صادرکننده و اصیل بازهم مطلبی دیده نمی‌شود. در خصوص چک طبق ماده‌ی 19 قانون صدور چک و ماده‌ی 252 آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا هم امکان صدور چک به نمایندگی تصریح شده و هم نحوه‌ی مسئولیت اصیل و نماینده روشن گردیده است. به طوری که هر دو در قبال دارنده‌ی سند مسئولیت تضامنی دارند.

در خصوص موضوع مقاله‌ی حاضر دکترین حقوقی نیز کمتر دیده می‌شود و عده‌ی خیلی‌ی در خصوص موضوع به بحث و بررسی پرداخته اند.

علی‌رغم عدم تصریح قانونگذار ایرانی بر امکان ظهرنویسی به نمایندگی طبق قواعد کلی حقوق مدنی در باب وکالت (ماده‌ی 662 ق.م.) و عدم ممنوعیت ظهرنویسی به نمایندگی در مقررات کشور ما و وحدت ملاک از مقررات صدور اسناد تجارتي به نمایندگی و تجویز این ظهرنویسی توسط حقوقدانان کشورمان بایستی بر

این عقیده بود که ظهرنویسی به نمایندگی در اسناد تجاری در حقوق کشور ما نیز جایز و امکان‌پذیر است.

در حقوق ایران اگر نماینده، اختیار ظهرنویسی داشته و هنگام ظهرنویسی سمت خود و اصیل را در سند آشکار و قید نموده و از حدود اختیار تفویضی خارج نشده باشد، هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده‌ی سند نداشته و اصیل مسئول تلقی می‌شود مگر اینکه طبق ماده‌ی 403 قانون تجارت طبق توافق قراردادی نماینده نیز به همراه اصیل در برابر دارنده، مسئولیت تضامنی داشته باشد. در صورتی که نماینده سمت خود را آشکار ننماید یا خارج از حدود نمایندگی عمل نماید خود شخصاً در برابر دارنده با حسن نیت مسئول تلقی خواهد شد.

در خصوص مسئولیت شرکتهای تجاری و نمایندگان آنها در حقوق ایران علاوه بر مطالب فوق که در خصوص شرکتهای تجاری نیز صادق است همچنین بایستی گفت در شرکت با مسئولیت محدود طبق ماده‌ی 105 قانون تجارت اگر ظهرنویسی طبق اساسنامه باشد نماینده مسئول نیست و شرکت خود مسئول تلقی خواهد شد و اگر مدیر بر خلاف اساسنامه ظهرنویسی نموده باشد، شرکت هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده سند نخواهد داشت و ظهرنویسی مزبور باطل می‌باشد ولی این بطلان در برابر دارنده با حسن نیت سند قابل استناد نبوده و طبق اصل استقلال امضاها و اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات سایر امضاکنندگان از جمله نماینده‌ی فاقد اختیار در برابر دارنده‌ی مزبور مسئول قلمداد خواهد شد.

در شرکت با مسئولیت محدود اگر اختیار مدیران خارج از اساسنامه محدود شده باشد این محدودیت در برابر دارنده‌ی ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست و شرکت در برابر دارنده‌ی سند مسئول باقی خواهد ماند و در شرکت‌های سهامی عام و خاص برخلاف شرکت با مسئولیت محدود از اشخاص ثالث حمایت کافی به عمل آمده است. بدین نحو که حتی اگر اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی محدود شده باشد باز هم در مقابل ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست و شرکت مسئول است. در مورد شرکت‌های تضامنی و نسبی و مختلط غیرسهامی و سهامی نیز طبق قواعد کلی سابق الذکر در مورد همه‌ی نمایندگان رفتار می‌شود. پیشنهاد می‌شود که در اصلاحات بعدی قانون تجارت، ظهرنویسی به نمایندگی و

مسئولیت یا عدم مسئولیت نماینده یا اصیل و شرایط آن و نحوه‌ی مسئولیت اصیل و نماینده به‌صراحت در متون قانونی قانون مربوطه درج‌گردد هرچند متأسفانه در لایحه جدید اصلاحی قانون تجارت در مجلس شورای اسلامی این موضوعات همچنان مسکوت مانده است.

در قوانین متحدالشکل ژنو در خصوص برات و سفته و چک، طبق ماده‌ی 3 و 8 قانون متحدالشکل ژنو در خصوص برات و سفته و ماده‌ی 11 قانون یکنواخت ژنو در خصوص چک، در مورد امکان صدور این اسناد به نمایندگی تصریح به عمل آمده است و در خصوص تسری ماده‌ی 8 فوق به ظهنویسی به نمایندگی استدلال‌های گوناگون می‌توان بعمل آورد که در هر دو صورت ظهنویسی به نمایندگی در قوانین متحدالشکل ژنو نیز جایز می‌باشد و طبق مفهوم مخالف مواد 8 و 11 فوق اگر نماینده سمت خود و اصیل را در سند آشکار نماید و قانوناً اختیار چنین عملی را داشته باشد، هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر دارنده‌ی سند نداشته و شخص اصیل مسئول تلقی خواهد شد.

در حقوق انگلیس طبق مواد 25 و 26 قانون بروات انگلستان صراحتاً امکان ظهنویسی به نمایندگی اسناد تجارتي و مسئولیت اصیل و نماینده ذکر شده است. در حقوق انگلیس اگر نماینده بنام اصیل امضاء نماید و اصیل در سند مشخص شده باشد و نماینده اختیار انجام عمل را داشته و از حدود اختیار خارج نشده باشد، در این صورت نماینده در برابر دارنده سند هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته و اصیل مسئول خواهد بود.

در حقوق انگلستان بر خلاف حقوق ایران (به استثناء شرکت‌های سهامی عام و خاص) از شخص ثالث با حسن نیت حمایت کاملی به عمل آمده است و اگر نماینده بدون داشتن اختیار در مقابل عوض با ارزش و مناسب سندی را ظهنویسی نماید و ثالث مزبور از فقدان اختیار نماینده نیز مطلع نباشد، این ظهنویسی معتبر بوده و شخص اصیل ملتزم به ظهنویسی خواهد بود. هر چند برای جبران خسارات وارده می‌تواند به نماینده‌ی فضول مراجعه نماید.

## منابع

## 1 منابع فارسی

1. اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت (برات، سفته و قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، انتشارات سمت، چاپ دوم، تابستان 1374.
2. اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت تطبیقی، چاپ اول، مهر 1373، مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
3. اسکینی، ربیعا؛ مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شمار دوازدهم.
4. اسکینی، ربیعا؛ مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره سیزدهم.
5. پاسبان، محمدرضا؛ حقوق شرکتهای تجاری، چاپ اول، زمستان 1385، انتشارات سمت.
6. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، سال 1372، کتابخانه گنج‌دانش.
7. حسن‌زاده، حیدر؛ جزوه حقوق تجارت 2، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، نیمسال اول 86-87.
8. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد اول، چاپ اول، سال 1374، نشر دادگستر.
9. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، پاییز 76، نشر داگستر.
10. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ نهم، 1385، نشر دادگستر.
11. حسینی، حسن؛ حقوق تجارت، چاپ سوم، پاییز 1383، نشر میزان.
12. صقری، محمد، حقوق بازرگانی «اسناد» چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، سال 1380.
13. عبادی، محمدعلی؛ حقوق تجارت، چاپ 24-1385، کتابخانه گنج دانش.
14. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ اول، بهار 1373، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
15. فخاری، امیرحسین؛ جزوه حقوق تجارت 3، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی 1382-1383.
16. فخاری، امیرحسین؛ دست‌نوشته‌های درس حقوق تجارت مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (بررسی مقررات قانون یکنواخت زُنو در خصوص برات و سفته)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی 76-77، توضیحات ماده 8 قانون یکنواخت زُنو.

17. کاتبی، حسینقلی؛ حقوق تجارت، چاپ یازدهم (نوبت نهم گنج دانش).
18. کاویانی، کوروش؛ حقوق اسناد تجارتي، چاپ اول، بهار 1383، نشر میزان.

منابع انگلیسی

19. Byles on Bills Of Exchange- Twenty Third Edition- by Maurice Megrah- London- sweet & Mexel- 1972.
20. F.D.Rose.MA-R-Statutes on Commercial & Consumer Law - 8<sup>th</sup> Edition- Black stone- Press Limited- 1999-2000 .
21. GHL Fridman, The Law of Agency- sixth Edition Butterworth- 1988- London.
22. Richardson (D) Aguide To Negotiable instruments. Fifth Edition Butter worths, London. 1976.